



بررسی کاربرد ممیز در ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی گفتاری: رویکردی رده‌شناختی-معنی‌شناختی

فاطمه یگانه^{*۱}

فریده حق‌بین^۲

فرهاد ساسانی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

زبان‌ها با توجه به این که ساخت صفت شمارشی-اسم را در یک ساخت مستقیم نشان می‌دهند و یا از عنصری به نام ممیز در این ساخت استفاده می‌کند به دو دسته قابل تقسیمند. مطالعات انجام‌شده بر روی زبان‌های ممیزدار نشان می‌دهد ویژگی‌های اسم در این زبان‌ها دلیل نیاز آن‌ها به ممیز است. اسم‌ها در زبان‌های ممیزدار صرفاً برچسب‌های مفهومی هستند از این رو به ممیز نیاز دارند. به عبارت دیگر ویژگی {+شکل} بودن اسم‌ها در این زبان‌ها توجیه نیازشان به استفاده از ممیز است. علی‌رغم این که اسم‌ها در زبان فارسی ویژگی {+شکل} دارند، ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی گفتاری یک ساخت مستقیم نیست و استفاده از ممیز اجباری به نظر می‌رسد و ارتباطی با ویژگی‌های معنایی اسم ندارد. در این پژوهش با بررسی رده‌شناختی ویژگی‌های اسم و کاربرد ممیز در زبان‌های ممیزدار، و بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از فارسی معیار گفتاری نشان دادیم ممیزهای فارسی گفتاری، یعنی "تا" و "دانه" ممیزهای کاربردشناختی‌اند. ممیز "تا" ممیز "تبیین شمار" و ممیز "دانه" ممیز "نگرشی-تأکیدی" است. نشانه جمع در ساخت صفت شمارشی-اسم نیز کارکردی گفتمانی دارد و "نشانه معرفه‌سازی" است.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی؛ صفت شمارشی؛ ممیز؛ مشخصه‌های اسم؛ فارسی؛ کاربردشناسی؛ معنی‌شناس

✉ f.fatmeyegane@gmail.com

✉ fhaghbin@alzahra.ac.ir

✉ fsasani49@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای زبان شناسی، دانشگاه الزهرا*

۲- استاد گروه زبان شناسی دانشگاه الزهرا

۳- دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه الزهرا

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/rjhll.2021.24121.2134

۱- مقدمه

در ساخت صفت شمارشی-اسم (موصوف/معدود) در فارسی گفتاری، عنصری میان صفت شمارشی و اسم قرار می‌گیرد و صفت شمارشی-اسم در یک ساخت مستقیم^۱ به کار نمی‌روند، در کتاب‌های دستور تحت عناوین مختلفی از جمله "شاخص، ممیز، روشنگر، معرف و ..." به معرفی این عنصر پرداخته‌اند. علی‌رغم کثرت کتاب‌های دستوری که به این موضوع پرداخته‌اند، توصیف‌های ارائه‌شده کمابیش مشابه یکدیگر است و به جنبه‌های کاربردشناختی کاربرد ممیز، و تفاوت فارسی گفتاری با نوشتاری توجه نشده است. تمرکز مطالعات پیشین در خصوص ممیز فارسی بر ممیزهای موجود در نوشتار است. ممیز "تا" دارای کاربرد اختیاری توصیف شده و تفاوتی نیز در کاربرد ممیز "تا" و "دانه" قائل نشده‌اند. با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش، از گفتار روزمره فارسی‌زبانان به نظر می‌رسد دست کم در گونه گفتاری فارسی، استفاده از ممیز در ساخت صفت شمارشی-اسم کاملاً همیشگی و گویی اجباری است و استفاده از این ممیزها به دلایل کاربردشناختی صورت می‌گیرد. از این رو در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی رده‌شناختی ویژگی‌های اسم و نقش ممیزها در زبان‌های ممیزدار، نقش ممیزهای "تا" و "دانه" فارسی گفتاری را در ساخت صفت شمارشی بررسی نماییم. برای این منظور طی بازه‌ای هشت ماهه (از اردیبهشت تا آذر ۱۳۹۸) به مرور داده‌هایی از گفتار روزمره فارسی‌زبانان در موقعیت‌های مختلف جمع‌آوری شد و موارد کاربرد ممیزهای "تا" و "دانه" در بافت‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل معنایی داده‌ها از طبقه‌بندی معنایی رده‌شناختی رایکوف (۲۰۰۰) برای زیرمجموعه‌های اصلی اسم در زبان‌ها بهره برده شد. در ادامه پس از مروری بر پیشینه ابتدا به بررسی دلایل معنایی زبان‌ها برای استفاده از ممیز می‌پردازیم و سپس ممیز را در ساخت صفت شمارشی بررسی می‌کنیم و سپس این موارد را در زبان فارسی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۲- پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های پیشین بر روی ممیزهای فارسی که عمدتاً نیز بر نوشتار تمرکز دارند، این ممیزهای اختیاری توصیف شده‌اند (انوری و گیوی (۱۳۶۹)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۷)). در این پژوهش-ها ممیز را به دو دسته عام و خاص طبقه‌بندی کرده‌اند (حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۷)، مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴)). فرشیدور (۱۳۸۲) این کلمات را "روشنگر" و محتشمی (۱۳۷۰) آن‌ها را "معرف" معدود، و ارژنگ (۱۳۷۱) "ممیز" نامیده است.^۲ نشاط (۱۳۶۸) در پژوهش خود به ۱۶۰ مورد از ممیزهای عدد در فارسی اشاره می‌کند که به اذعان وی غالب آن‌ها مربوط به قرون گذشته‌اند و اینک متروک شده‌اند. پژوهش استاجی (۱۳۸۸) نیز بر ممیزهای موجود در نوشتار تمرکز دارد. گبهارت^۱ (۲۰۰۷)، به نقل از استاجی (۱۳۸۸) نیز ممیز فارسی را اختیاری می‌داند هرچند وجود آن را در یک بافت نحوی اجباری توصیف می‌کند (بافتی همچون

"پنج تا از پسرها دیر رسیدند" که ممیز قابل حذف نیست). درزی و یاراحمدزهی (۱۳۹۰) و تفکری‌رضایی و نظری (۱۳۹۲) در قالب رویکرد کمینه‌گرایی به ترتیب بر روی زبان کردی کلهری، و بلوچی سرحدی به جایگاه ممیز پرداخته‌اند. نغزگوی کهن و ایزدی‌فر (۱۳۹۲) نیز دستوری‌شدگی ممیز را در گونه تاکستانی زبان تاتی بررسی کرده‌اند.

۳- مشخصه‌هایی معنایی اسم و نیاز به استفاده از ممیز

در زبان‌های دارای ممیز اسم‌ها فقط برچسب‌های مفهومی‌اند (حتی برای ویژگی شمار نیز تعریف‌نشده و نامشخصند^[۱]) و برای تفسیرشان نیازمند به بافت زبانی و غیرزبانی هستیم (بیسنگ، ۱۹۹۹: ۱۱۵-۱۱۴). از این رو زبان‌های ممیزدار با توجه به ملاک‌های مختلف مثل "شکل"، "اندازه"، "کارکرد"، "ابعاد فیزیکی"، "جاندار/بی‌جان"، "انسان/غیرانسان" و ... از ممیزهای مختلفی برای اسم‌های خود استفاده می‌کنند. این قبیل ممیزها ممیز طبقه‌نما^۲ نام دارند و اسم‌هایی که با این نوع ممیز به کار می‌روند اسم طبقه نام دارند. سیستم ممیز برخی زبان‌ها حتی ممکن است بر مبنای تمایزات بسیار بیشتری هم بنا شده باشد. (هوندیوس و کولور، ۱۹۸۳: ۱۸۱) مثال ۱، ممیز طبقه‌نما در زبان تایلندی

rôm (الف)	rôm (ب)	săam	khan
"چتر/چترها"	"چتر"	"سه"	"(شی بلند، دسته‌دار) ممیز"

نوع دیگر ممیزها، ممیزهایی هستند که برای اندازه‌گیری واحد با اسم‌های غیرقابل شمارش (و یا اسم‌های قابل شمارش) به کار می‌روند و به آن‌ها ممیزهای اندازه‌ای^۳ می‌گویند^[۲] (آیخنوالد ۲۰۰۰، گیل ۲۰۱۳).

(لی، ۱۹۹۷) مثال ۲، ممیز اندازه‌ای در زبان کره‌ای

Makkeli	han	mal
"ممیز اندازه‌ای برای شراب برنج"	"یک"	"شراب برنج"

نوع دیگری از ممیز در واقع نقش ممیز طبقه‌نما و ممیز اندازه‌ای را در خود ترکیب کرده است و ممیز عام نام دارد که با اسم عام که تمایزی بین اسم‌های غیر قابل شمارش و اسم‌های طبقه در آن وجود ندارد، به کار می‌رود (همچون اسم‌ها در زبان یوکاتک مایا^[۳]). از این رو رایکوف^۴ (۲۰۰۰) نیاز به استفاده از ممیز در زبان‌ها را با توجه به دو ویژگی معنایی در اسم‌ها یعنی ویژگی شکل^۵ و همگنی^۱ در قالب جدول ۱ نشان می‌دهد. در

1. function
2. Sortal classifier
3. mensural classifier
4. J.Rijkhoff
5. shape

هر دو مورد اسم‌های {+شکل} و {-شکل}، مشخصه "همگنی" تمایز دقیق‌تری را به دست می‌دهد. اسم‌های {+شکل} ابعاد فضایی مشخص دارند و صرفاً برچسب‌های مفهومی نیستند یعنی ویژگی‌های واژگانی آن‌ها با حقایق هستی‌شناختی خاصی مرتبط است.

جدول ۱ طبقه‌بندی رده‌شناختی زیرمجموعه‌های اصلی اسم (رایکوف، ۲۰۰۰: ۲۳۵)

ابعاد فضایی ^۲	همگنی -	همگنی +
شکل -	اسم عام ^۳	
	اسم طبقه ^۵	اسم غیر قابل شمارش ^۴
شکل +	اسم مجموعه ^۶	
	اسم شیء منفرد ^۸	اسم جمع ^۷

اسم‌های {+شکل} فارغ از اینکه {+همگن} باشند مثل اسم‌های جمع (مانند خانواده، گله و غیره) و یا {-همگن} باشند مثل اسم اشیای منفرد (مانند دوچرخه، میز و غیره) نیازی به استفاده از ممیز ندارند. اسم‌های مجموعه (مانند اسم‌ها در زبانی مثل اورومو^{□□}) نیز چون {+شکل} هستند نیازی به استفاده از ممیز ندارند. اسم‌های {-شکل} به ممیز نیاز دارند. اگر اسم عام باشند، ممیز عام نیاز دارند. اگر اسم‌های غیر قابل شمارش باشند (مثل آب، شکر و غیره) از ممیز اندازه‌ای برای آن‌ها استفاده می‌شود، و اگر اسم طبقه باشند به ممیز طبقه‌نما نیاز دارند (که بیانگر شکل، اندازه و غیره برای آن‌هاست). از آنجایی که اسم‌های فارسی ویژگی {+شکل} دارند پس به نظر می‌رسد استفاده از ممیزهای گفتاری "تا" و "دانه" به دلیل ویژگی‌های معنایی اسم نیست و کارکردی کاربردشناختی دارد.

۳-۱- ممیز در ساخت صفت شمارشی-اسم

زبان‌ها بر حسب اینکه ساخت صفت شمارشی-اسم را چگونه نشان دهند، به دو دسته قابل تقسیمند: ۱- زبان‌هایی که در آن‌ها صفت شمارشی با اسم در یک ساخت مستقیم به کار می‌رود (یعنی بدون نیاز به ممیز). ۲- زبان‌هایی که صفت شمارشی آن‌ها برای توصیف معدود (اسم) نیاز به ممیز دارد. همان‌طور که در بخش

1. Homogeneity
2. space
3. general noun
4. mass noun
5. sort noun
6. set noun
7. collective noun
8. singular object noun

۳ اشاره شد دلیل اصلی نیاز زبان‌های ممیزدار به ممیز، ویژگی "نامشخص‌بودگی" اسم‌ها در این زبان‌ها است، و یکی از موارد نامشخص‌بودگی "نامشخص‌بودگی شمار" است که وجود ممیز را در ساخت شمارشی در این زبان‌ها توجیه می‌کند و اسم به کمک ممیز "تخصیص" می‌یابد (گرینبرگ ۱۹۷۴، لوبل ۱۹۹۵، بیسنگ ۱۹۹۶). رایکوف (۲۰۰۰: ۲۳۶) استفاده از هرگونه ممیز (اعم از طبقه‌نما، اندازه‌ای، و عام) در ساخت صفت شمارشی را مرتبط با ویژگی {-شکل} اسم می‌داند. اسم‌هایی که ویژگی {+شکل} دارند می‌توانند صفت شمارشی - اسم را در یک ساخت مستقیم نشان دهند و نیازی به استفاده از ممیز ندارند. استفاده از ممیز در ساخت صفت شمارشی - معدود در یک زبان می‌تواند اجباری یا اختیاری باشد. اشماتوآ (۲۰۱۳: ۱۴) از زبان مالایی^{□□□} مثال می‌آورد که استفاده از ممیز و یا عدم استفاده از آن، هر دو دستوری محسوب می‌شود.

۲-۳- نشانه جمع در ساخت صفت شمارشی - اسم

در زبان‌هایی که اسم‌ها ویژگی {+شکل} دارند یعنی ابعاد فضایی مشخص دارند و صرفاً برچسب‌های مفهومی نیستند، ساخت صفت شمارشی ساختی مستقیم است، و اسم (برای اعداد بزرگ‌تر از یک) در ساخت شمارشی نشانه جمع می‌گیرد و کاربرد آن به صورت مفرد نادرستی است (مثل زبان هلندی، و انگلیسی). در این زبان - اسم در حالت بی‌نشان خود به یک شیء دلالت دارد. گرینبرگ (۱۹۷۴: ۲۵) به نقل از سنچر و اسلوبین^۱ (۱۹۷۳) اشاره می‌کند، در زبان‌هایی که برای اسم‌های خود از ممیز استفاده می‌کنند، نشانه جمع اجباری وجود ندارد و استفاده از آن اختیاری است. البته رایکوف (۲۰۰۰: ۲۴۰-۲۴۲) معتقد است آنچه در این زبان‌ها نشانه جمع خوانده شده شباهتی به نشانه جمع در زبان‌هایی مثل انگلیسی و هلندی ندارد برای مثال پسوند -men که در زبان چینی ماندارین، نشانه جمع تلقی شده است برای نشان دادن معرفگی هم به کار می‌رود. آنچه در زبان‌های کره‌ای، برمه‌ای، ویتنامی و نونگ^۲ نشانه جمع در نظر گرفته شده نیز وضع نامشخصی دارند. در زبانی مثل اورومو نیز ساخت شمارشی یک ساخت مستقیم است (همچون هلندی و انگلیسی)، ولی حالت بی‌نشان اسم در آن زبان می‌تواند به یک اسم یا بیش از یکی اشاره کند (اسم‌های این زبان از نوع اسم مجموعه‌اند (جدول ۱))، و بر خلاف هلندی استفاده از نشانه جمع در ساخت شمارشی به نادرستی شدن منجر می‌شود (آندره‌یفسکی،^۳ ۱۹۶۰: ۷۱). ساخت صفت شمارشی در زبان فارسی ساختی مستقیم نیست. اسم نیز در این ساخت اغلب به صورت مفرد به کار می‌رود، ولی کاربرد آن به صورت جمع نیز باعث نادرستی شدن نمی‌شود (یعنی موردی متفاوت از تمام زبان‌هایی که در این بخش به آن‌ها اشاره شد) ولی کاربرد نشانه جمع

1. M. Sanches and L. Slobin
2. Nung
3. B.W. Andrezejewski

تفاوت معنایی ایجاد می‌کند و علاوه بر نشانه جمع کارکرد دیگری نیز دارد. در بخش ۷-۴ به نشانه جمع در ساخت شمارشی فارسی گفتاری خواهیم پرداخت.

۴- ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی گفتاری معیار

ممیزهای فارسی چه آنچه در دستور سنتی □□□□، (برای مثال، حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷) ممیزهای "خاص" نامیده شده و چه آنچه ممیزهای "عام" □□□ نام گرفته، به لحاظ ساختوازی، واژه‌های مستقل هستند، و صرفاً در ساخت صفت شمارشی-اسم یافت می‌شوند. ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی گفتاری یک ساخت مستقیم نیست و همیشه از ممیز استفاده می‌شود. به لحاظ آرایش واژگانی، صفت شمارشی پیش از اسم قرار می‌گیرد و ممیز جایگاه میان صفت شمارشی و اسم را پر می‌کند. ممیزهای گفتاری فارسی عبارتند از "تا" و "دانه". همانطور که اشاره شد دلیل اصلی استفاده از ممیز در زبان‌های ممیزدار، ویژگی اسم‌ها در آن زبان‌هاست که صرفاً بر مفاهیم اشاره دارند، یعنی ویژگی { -شکل } دارند و برای شمار نیز تعریف نشده و نامشخصند از این رو به ممیز نیاز دارند. اسم‌ها در زبان فارسی ویژگی { +شکل } دارند زیرا دارای ابعاد فضایی مشخصند. با این وجود در ساخت صفت شمارشی اسم در فارسی گفتاری همیشه ممیز به کار می‌رود. در ادامه با ارائه مثال از کاربرد ممیزهای "تا" و "دانه" در فارسی گفتاری، به بررسی موارد کاربرد این ممیزها و دلیل استفاده از آن در زبان فارسی به عنوان زبانی که در زمره زبان‌های ممیزدار قرار ندارد، می‌پردازیم.

۴-۱- ویژگی‌های اسم و کاربرد ممیز "تا"

همانطور که در بخش ۲ اشاره شد زبان‌هایی که از ممیز استفاده می‌کنند، ممیزهای خود را با توجه به ویژگی‌های اسم مثل شکل، اندازه و غیره و نیز جاننداری/ بی‌جان، انسان/ غیرانسان و غیره به کار می‌برند. ولی کاربرد ممیز "تا" در فارسی گفتاری فارغ از هر گونه سلسله‌مراتب جاننداری، انسان و... و یا ویژگی‌های معدود است، و از این حیث تقریباً محدودیتی در استفاده از آن وجود ندارد و استفاده از آن در فارسی گفتاری همیشگی و گویی اجباری است و برای هر عدد بزرگ‌تر از یک می‌تواند به کار رود. به مثال‌های ۳ توجه کنید:

۳- الف) صد تا عکس گرفتی دیگه، بسه! (شیء با اندازه کوچک)

ب) پنجاه تا دخترخاله، پسرخاله ن، یکی دو تا که نیستن... (جاندار، انسان)

ج) سه تا رز قرمز بذارید، پنج تا هم رز سفید دورش. (جاندار، گیاه)

د) دو، سه تا گربه بودن داشتن دعوا می‌کردن... (جاندار، حیوان)

ه) چهارتا کامیون میل‌گرد اینجا خالی کرده... (شیء با اندازه بزرگ)

و) بیا چند تا جک باحال برات تعریف کنم. (اسم معنی)

ی) **چند تا ایده** خوب برای درست کردن گلدون از مواد بازیافتی. (اسم معنی)

۴-۲- اسم جمع و کاربرد ممیز "تا"

با توجه به جدول ۱، اسم‌های جمع نیاز به ممیز ندارند و در یک ساخت مستقیم با صفت شمارشی به کار می‌روند. ولی در فارسی گفتاری برای "اسم‌های جمع" مثل "لشکر، خانواده، گله، و غیره" نیز ممیز "تا" به کار می‌رود. به مثال‌های ۴ توجه کنید:

۴- الف) دایی! **چند تا "تیپ"** میشه یه "لشکر"؟

ب) آلاچقش بزرگه! **دو تا خانواده** راحت توش جا میشه!

ج) **ده تا لشکر** مرد عاقل رو توی یه ربع دیوانه می‌کنه! (در توصیف یک بچه بسیار شیطان)

د) گرگ‌ها اول شکارشونو خفه می‌کنن. ممکنه **سه، چهار تا گله گوسفند** رو خفه کنن ولی نرسند

هیچ کدومشو بخورند!

۴-۳- اسم‌های غیرقابل شمارش و کاربرد ممیز "تا"

همان‌طور که در بخش ۳ و نیز جدول ۱ اشاره شد، اسم‌های غیر قابل شمارش مثل "طلا، خاک، و غیره" در اغلب زبان‌ها با ممیزهای اندازه‌ای و یا با عبارتهای کمیت‌نما به کار می‌روند. در فارسی گفتاری حتی برای اسم‌های غیرقابل شمارشی که با عبارتهای کمیت‌نما و یا ممیزهای اندازه‌ای همراه هستند نیز از ممیز "تا" استفاده می‌شود:

۵- الف) دیگه حتی نمی‌شه پول پس‌انداز کنی **یه چهارتا تیکه طلا** بخری!

ب) بگو **دو تا باکس** آب معدنی هم بگیره.

ج) **چهار تا خاک انداز خاک** از اتاقش جمع کردم!

د) برنج، **چند تا پیمونه** بار کنم؟

در این مثال‌ها "تیکه"، "خاک‌انداز"، "باکس" و "پیمانه" عبارت کمیت‌نما برای طلا، آب، خاک و برنج هستند ولی باز هم از ممیز "تا" در کنار آن‌ها استفاده شده است.

در مواردی حتی اسم‌های غیر قابل شمارش صرفاً با ممیز "تا" می‌آیند و ممیز اندازه‌ای یا کمیت‌نمای آن‌ها از بافت غیرزبانی قابل دریافت است:

۶- الف) بر می‌گردی **پنج تا هم خاک** بگیر، خاک گلدون‌هارو عوض کنیم. (کیسه خاک)

ب) برای ما هم لطفاً **دو تا آب** [بیاورید]. (بطری آب)

(ج) **چند تا شربت** بریز بیار. (لیوان شربت)

(د) ... **دو تا کره** هم بردار... (قالب کره)

"تا" حتی این قابلیت را دارد که با صفت شمارشی به تنهایی به کار رود و موصوف (معدود) آن از بافت غیر زبانی دریافت شود:

۷- الف) **"دو تا هم به من بدهید"** به جای **"دو تا نان هم به من بدهید"**.

ب) باید **چند تا** توی اون قفسه مونده باشه. (نخ دندون درقفسه یک فروشگاه)

۴-۴- اسم‌های قابل شمارش به همراه واحد شمارش و کاربرد ممیز "تا"

اسم‌های قابل شمارش یعنی همان اسم اشیای منفرد در جدول ۱ در ساخت شمارشی نیازی به استفاده از ممیز ندارند. در فارسی گفتاری تقریباً تمام این اسم‌ها می‌توانند با ممیز "تا" به کار روند. گذشته از این حتی زمانی که این اسم‌ها با واحد شمارشی خاص خود (ممیزهای خاص) همراه باشند باز هم ممیز "تا" می‌تواند به کار رود.

۸- الف) **دو تا تار مو** بیرون باشه که نمازت باطل نمی‌شه!

ب) **چند تا طاقه** از این [پارچه] تو انبار داریم؟

در برخی موارد نیز اسم صرفاً با واحد شمارش خاص خود به کار می‌رود و "تا" استفاده نمی‌شود.

۹- الف) **دو دست مبل** در پذیرایی چیده بودند.

ب) این ماه **دو دست لباس** خریدم.

ج) منم **دو جفت جوراب** پشمی [از پیج‌شون] سفارش دادم.

در تفاوت مثال‌های ۸ و ۹ توجه به این نکته ضروری است که ممیزهای خاص در مجموعه مثال‌های ۸ به "یک نوع از یک چیز" اشاره دارند. برای مثال "یک تار مو" به یک "مو" اشاره دارد و "یک طاقه پارچه" به یک نوع پارچه. ولی در مثال‌های ۹، یک "دست مبل" و یا یک "دست لباس" و یا یک "جفت جوراب" به بیش از یک "مبل" یا "لباس" یا "جوراب" اشاره دارند. از این رو ممیز "تا" با ممیزهای خاصی همچون "تار" و "طاقه" همراه می‌شود ولی با ممیزهایی مثل "دست" و "جفت" به کار نمی‌رود.

۴-۵- ممیز "تا" و تقسیم‌بندی‌های زمانی، طولی، مسافتی، وزنی و غیره

بر پایه داده‌های جمع‌آوری شده به نظر می‌رسد هر گاه اسم در ساخت شمارشی، اشاره به شماری دقیق دارد دیگر از "تا" استفاده نمی‌شود. برای مثال تقسیم‌بندی‌هایی که برای زمان، طول، مسافت، حجم، انتقال داده در اینترنت، سرعت، نیرو، دما، وزن و غیره وجود دارد.

تقسیم‌بندی‌های زمانی: "دو روز، سه هفته، شش ماه، سه سال، چهار ساعت، سی دقیقه، بیست ثانیه، و غیره"

تقسیم‌بندی‌های طولی و مسافتی: "دو متر، ده سانتی‌متر، پنج اینچ، صد و بیست کیلومتر، و غیره"

تقسیم‌بندی‌های وزنی: "دو مثقال، سه گرم، چهار کیلو، صد تن، و غیره"

۱۰- الف) دو ماه از سربازی‌ش مونده

ب) ده دقیقه دیگه تماس بگیرید خودشون هستن.

ج) هفتاد سانت از این کش پهن می‌خواستم.

د) تهران تا قم چند کیلومتره؟

ه) دو کیلو سیب لطفا.

و) هنوز دو گیگ از نتم مونده.

۴-۶- کاربرد ممیز "دانه" در فارسی گفتاری

در زبان‌هایی که اسم‌ها ویژگی {شکل} دارند و استفاده از ممیز به دلیل ویژگی‌های معنایی اسم‌ها است، برای عدد یک نیز در تمام بافت‌ها از ممیز طبقه‌نما و یا در زبان‌هایی که اسم عام دارند از ممیز عام استفاده می‌شود. همانطور که در بخش ۱-۴ اشاره شد، در ساخت صفت شمارشی در فارسی معیار گفتاری فارغ از ویژگی‌های معنایی اسم، ممیز "تا" برای اعداد بزرگتر از یک به کار می‌رود، ولی برای عدد یک این ممیز به کار نمی‌رود. در ساخت صفت شمارشی در فارسی گفتاری برای عدد یک می‌توان از ممیز "دانه" استفاده کرد. البته این ممیز برای دیگر اعداد نیز کاربرد دارد و در این کارکرد با ممیز "تا" هم‌وقوعی دارد. همچون ممیز "تا"، کاربرد ممیز "دانه" نیز وابسته به ویژگی‌های معنایی اسم نیست.

مثال‌های ۱۱ کاربرد ممیز "دانه" برای عدد "یک" را نشان می‌دهد:

۱۱- الف) همش همین یه دونه پسر رو داشت بنده خدا اونم کرونا گرفت مرد! (جاندار- انسان)

ب) آقا من فقط یه دونه نون می‌خوام! (شیء- خوراک)

ج) بابا یه دونه چیپس هم تهش برای من بذارید حد/قل بفهمم چه مزه‌ای بود! (شیء- خوراک)

د) حالا یه دونه گل زده ببین چه ذوقی می‌کنه! (فعالیت‌های انسانی)

ه) یه دونه پراید هم نداریم باش بریم دور دور! (شیء با اندازه بزرگ)

(و) توی باغشون پنج تا مرغ دارن با **یه دونه خروس**. (جاندار - حیوان)

مثال‌های ۱۲ کاربرد ممیز دانه برای دیگر اعداد را نشان می‌دهد. در این کاربرد، ممیز "دانه" و "تا" هم-وقوعی دارند:

۱۲- الف) **چهار تا دونه** مبله! نترس نمی‌میری! [که جا به جایش کنی] (شیء با اندازه متوسط)

ب) همون **دو تا دونه درخت** توی حیاطشان بود! (جاندار - گیاه)

ج) **چند تا دونه ظرف** که بیشتر نیست! جون من تو بشور! (شیء با اندازه کوچک)

د) **چهارتا دونه پله** که دیگه آسانسور نمی‌خواد! (شیء با اندازه متوسط)

ه) **ورداشته دو تا دونه سیب** گذاشته تو بشقاب واسه این همه آدم! (شیء - خوراک)

همان طور که مجموعه مثال‌های ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد کاربرد ممیز دانه (چه برای عدد یک و چه اعداد بزرگ‌تر از یک) ارتباطی با ویژگی‌های معنایی اسم ندارد بلکه نقشی گفتمانی و کاربردشناختی دارد. به نظر می‌رسد کاربرد این ممیز مربوط به مواردی است که گوینده قصد **تأکید بر عدد پیش از ممیز** را دارد، به این معنی که منظور او **"همان مقدار و نه بیشتر"** است و این تأکید می‌تواند با **نگرش گوینده** مبنی بر این همراه باشد که از دیدگاه او این مقدار یا کم است و یا زیاد نیست، و گاهی نیز این تأکید بر کمی مقدار می‌تواند به معنی "بی‌ارزش بودن" و به قصد "تحقیر" باشد. در این موارد اغلب دیگر صفت‌ها و قیدهایی تأکیدی در جمله وجود دارد که به آشکارسازی منظور گوینده کمک می‌کند. جایگاه تکیه نیز در دریافت معنی کاملاً اثرگذار است. برای نمونه به نظر می‌رسد مثال‌های ۱۱-د و ۱۲-ه با نگرشی تحقیری همراه است ولی مثال‌های دیگر صرفاً بر کمی مقدار از دید گوینده اشاره دارند.

نکته دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که، برخلاف "تا" که تقریباً با همه اسم‌ها برای اعداد بزرگ‌تر از یک به کار می‌رود، کاربرد ممیز "دانه" برای عدد یک همیشگی نیست و چنانچه **تأکید نگرشی** گوینده با معنایی که اشاره شد وجود نداشته باشد این ممیز به کار نخواهد رفت. مثال‌های ۱۳ و ۱۴ به این مورد اشاره دارد:

مثال‌های ۱۳ تأکید بر خود عدد "یک" بدون تأکید نگرشی گوینده بر کمی (مقداری یا ارزشی) معدود:

۱۳- الف) اصلاً فقط همون **یه داروخونه** اونجاست، گم نمی‌کنی.

ب) من فقط گیر **یه امضا** بودم که کارم راه بیفته.

مثال‌های ۱۴ کاربرد معمول و غیر تأکیدی عدد "یک" که بدون همراهی ممیز "دانه" به کار می‌رود:

۱۴- الف) **یه شلوار خریدم** کمرش برام تنگه، نپوشیدمش، تو می‌خوایش بدمش تو؟

ب) **یه باشگاه خوب** م‌ دور میدون هست. دستگاه‌هاشون جدیده.

۴-۷- صورت جمع در ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی گفتاری

در بخش ۲-۳ اشاره کردیم در زبان‌های ممیزدار که اسم‌هایشان ویژگی {شکل} دارد در ساخت صفت شمارشی-اسم، اسم به صورت مفرد به کار می‌رود (مثال ۱ از تایلندی). در مقابل در زبان‌هایی که اسم ویژگی {شکل} دارد و ساخت صفت شمارشی-اسم در آن‌ها یک ساخت مستقیم است (یعنی بدون نیاز به ممیز)، چنانچه حالت بی‌نشان اسم در آن زبان به یک شیء دلالت کند، در ساخت صفت شمارشی-اسم صورت جمع اسم به کار می‌رود و کاربرد مفرد آن نادرستی است (مثل زبان انگلیسی و هلندی)، و چنانچه حالت بی‌نشان اسم در آن زبان به یک شیء یا بیشتر دلالت کند، در ساخت صفت شمارشی-اسم صورت مفرد اسم به کار می‌رود و کاربرد جمع آن نادرستی است (مثال زبان اومورو). در فارسی حالت بی‌نشان اسم به یک شیء دلالت دارد و استفاده از نشانه جمع در حالت جمع اجباری است. در ترکیب صفت شمارشی با اسم در فارسی (گفتاری)، اسم به شکل مفرد به کار می‌رود، ولی استفاده از شکل جمع نیز باعث نادرستی شدن نمی‌شود، البته باید توجه داشت به لحاظ کاربردشناختی، این دو صورت معناهای متفاوتی را منتقل می‌کنند. به نمونه‌های (۱۷-۱۵) توجه کنید:

۱۵- الف) **هر سه تا فاطمه** را صدا کنید بیایند. (هر سه دختری که اسم‌شان فاطمه است)

ب) **هر سه تا فاطمه‌ها** را صدا کنید بیایند.

۱۶- الف) **چهارتا دانش‌آموز** در حیاط مدرسه مشغول بازی هستند.

ب) **چهارتا دانش‌آموزها** در حیاط مدرسه مشغول بازی هستند.

۱۷- الف) **دو تا خونه** خرید.

ب) **دو تا خونه‌ها** رو خرید.

هر دوی این حالت‌ها در زبان فارسی پذیرفته شده و دستوری است. و چه اسم نشانه جمع بگیرد و چه نگیرد و پس از صفت شمارشی به صورت مفرد بیاید، فعل به صورت جمع به کار می‌رود (مثال‌های ۱۵ و ۱۶)، یعنی با صفت شمارشی مطابقت می‌کند. پس جمع بودن فعل ربطی به حضور یا عدم حضور نشانه جمع ندارد از این رو نشانه جمع در اینجا باید کارکرد دیگری هم داشته باشد. به نظر می‌رسد نشانه جمع "ها" در این قبیل ساخت‌ها، "نشانه معرفه" است و نقش "معرفه‌سازی" دارد. به این معنی که اسم هم برای گوینده و هم

شنونده و یا دست کم یکی از آن‌ها معرفه است. در مثال ۱۷، وجود "را" که نشانه مفعول معرفه است نیز مؤید این ادعاست. مثال ۱۵ چون اسم خاص است، برای یکی از گوینده یا شنونده معرفه است و استفاده از نشانه جمع می‌تواند به معنی معرفه بودن آن برای دیگری نیز باشد.

توجه به این نکته ضروری است که نشانه جمع در تمامی بافت‌های کاربرد خود معرفه‌سازی نمی‌کند و این نقش را صرفاً در ساخت صفت شمارشی-اسم دارد. به مثال‌های ۱۸ توجه کنید:

۱۸- الف) دخترها عاشق گل و گیاهند.

ب) سه تا دختر عاشق گل و گیاهند

ج) سه تا دخترها عاشق گل و گیاهند.

در مثال ۱۸-الف "دخترها" به مجموعه همه دخترها اشاره دارد یعنی "دختر" به عنوان اسمی عام مد نظر است. مثال ۱۸-ب به گروه نامشخصی از سه دختر اشاره دارد و مثال ۱۸-ج به گروه مشخصی از سه دختر که برای گوینده و شنونده و یا هردوی آن‌ها معرفه و مشخصند اشاره می‌کند.

۴-۸- نقش ممیزهای فارسی گفتاری

طبق جدول ۱ ساخت صفت شمارشی در فارسی باید یک ساخت مستقیم باشد زیرا اسم‌ها در فارسی ویژگی {+شکل} دارند. گفتیم دلیل استفاده از ممیز در زبان‌های ممیزدار ویژگی {-شکل} بودن اسم‌ها و تعریف-نشده‌گی آن‌ها برای ویژگی شمار است. از این رو اسم‌های آن زبان‌ها در یک ساخت مستقیم با صفت شمارشی قرار نمی‌گیرند و از ممیز استفاده می‌شود. اسم‌ها در فارسی صرفاً برچسب‌های مفهومی نیستند و ویژگی {+شکل} دارند و برای ویژگی شمار نیز تعریف‌شده هستند. حالت بی‌نشان اسم در فارسی بر یک شیء دلالت دارد و در حالت جمع نشانه جمع می‌گیرد. با این حال در ساخت صفت شمارشی-اسم در فارسی (گفتاری) از ساختی مستقیم استفاده نمی‌شود و کاربرد ممیز اجباری است. در بخش ۱-۴ تا ۷-۴ موارد کاربرد ممیزهای گفتاری "تا" و "دانه" را نام بردیم. بر خلاف ممیزهای طبقه یا ممیزهای عام در زبان‌های ممیزدار که با توجه به ویژگی‌های خاص اسم‌ها به کار می‌روند، در کاربرد ممیز "تا" تقریباً محدودیتی وجود ندارد و با تمام اسم‌ها (معدودها) به کار می‌رود. بنابراین کاربرد ممیز در فارسی گفتاری نمی‌تواند به دلیل مشخصه-های معنایی اسم در این زبان باشد. بعلاوه ممیزهای فارسی گفتاری صرفاً در ساخت صفت شمارشی دیده می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد نقش ممیزهای گفتاری در فارسی را باید نقشی کاربردشناختی دانست. با توجه به داده‌های گردآوری شده که نمونه‌هایی از آن در مثال‌های ۳ تا ۱۷ آورده شد، به نظر می‌رسد ممیز "تا" برای ملموس‌تر شدن، مشخص‌تر شدن و برجسته کردن شمار به کار می‌رود از این رو آن را ممیز

"تبیین شمار" نامیدیم که در ساخت شمارشی با همه اعداد بزرگ‌تر از یک به کار می‌رود. در فارسی گفتاری معیار برای عدد یک ممیز "تا" به کار نمی‌رود. برای عدد یک در برخی موارد از ممیز "دانه" استفاده می‌شود. البته چنانچه در مثال‌های ۱۲ نشان دادیم، ممیز "دانه" خاص عدد یک نیست و برای دیگر اعداد نیز به کار می‌رود و در آن موارد با ممیز "تا" هم‌وقوعی دارد. نشان دادیم کاربرد ممیز "دانه" نشان از نگرش گوینده دارد به این معنی که گوینده قصد تأکید بر عدد پیش از ممیز را دارد، و منظور او "همان مقدار و نه بیشتر" است. این تأکید می‌تواند با نگرش او مبنی بر این همراه باشد که از نقطه نظر او این مقدار یا کم است و یا زیاد نیست، و گاهی نیز این تأکید بر کمی مقدار می‌تواند به معنی "بی‌ارزش بودن" و به قصد "تحقیر" باشد. از این رو ممیز دانه را ممیز "نگرشی-تأکیدی" نامیدیم.

به این ترتیب هر دو ممیز فارسی گفتاری ممیزی کاربردشناختی به حساب می‌آیند. بعنوان مثالی دیگر از نقش کاربردشناختی برای ممیز در فارسی گفتاری می‌توان به تأثیر جایگاه تکیه اشاره کرد که به انتقال معناهای متفاوت می‌انجامد. در این خصوص به مثال ۱۹ توجه کنید:

(۱۹) "دو تا پسرهایش دکتر ن".

در مثال ۱۹ اگر تکیه روی ممیز "تا" قرار بگیرد به این معنی است که گوینده فقط "دو پسر" دارد و هر دوی آن‌ها نیز دکتر هستند؛ و اگر تکیه روی اسم قرار بگیرد به این معنی است که گوینده "بیش از دو پسر" دارد ولی این دو پسر مورد بحث، دکتر هستند. تأثیر تکیه در تشخیص معرفگی-نکرگی گروه‌های اسمی در دیگر زبان‌ها نیز دیده شده است، برای مثال در زبان ویتنامی.

۵- نتیجه‌گیری

زبان‌ها اطلاعات هستی‌شناختی را به اشکال مختلفی در اسم‌های خود نشان می‌دهند که می‌تواند بازتاب آن حقایق در جهان خارج باشد و یا نباشد. از این رو اسم‌ها در زبان‌ها می‌توانند ویژگی {+شکل} و یا {-شکل} داشته باشند (ر.ک. جدول ۱). چنانچه اسم‌های یک زبان مشخصه {-شکل} داشته باشند، آن زبان نیازمند استفاده از ممیز برای اسم‌های خود و به تبع آن در ساخت شمارشی خود خواهد بود و ساخت صفت شمارشی-اسم را در یک ساخت مستقیم نشان نخواهد داد. اسم‌ها در زبان فارسی {+شکل} هستند، با این حال در ساخت صفت شمارشی-اسم بویژه در فارسی گفتاری یک ساخت مستقیم به کار نمی‌رود و استفاده از ممیز "تا" اجباری است. در این پژوهش با مطالعه رده‌شناختی ویژگی‌های اسم و نقش ممیز در زبان‌های ممیزدار به بررسی ممیزهای گفتاری "تا" و "دانه" در فارسی معیار گفتاری پرداختیم. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از گفتار روزمره فارسی‌زبانان در موقعیت‌های مختلف کاربرد این ممیزها نشان داد، کاربرد ممیزهای "تا" و "دانه" وابسته به مشخصه‌های معنایی اسم نیست و مرتبط با کاربرد آن‌ها در ساخت

شمارشی است. از این رو هر دوی این ممیزها، ممیزهای کاربردشناختی‌اند. ممیز "تا" تقریباً بدون هیچ محدودیتی با همه اعداد بزرگ‌تر از یک و با همه اسم‌ها (معدودها) با هر مشخصه معنایی در ساخت صفت شمارشی-اسم به کار می‌رود و گویی شمار را ملموس‌تر، مشخص‌تر، و برجسته می‌کند از این رو ممیز "تا" فارسی گفتاری را ممیز "تبیین شمار" نامیدیم. کاربرد ممیز "دانه" مربوط به مواردی است که گوینده قصد تأکید بر عدد پیش از ممیز را دارد، به این معنی که منظور او "همان مقدار و نه بیشتر" است و این تأکید اغلب با **نگرش گوینده** مبنی بر این همراه است که از دیدگاه او این مقدار یا کم است و یا زیاد نیست (و گاهی منظور او از کم بودن بی‌ارزش بودن است). در صورتی که چنین تأکیدی وجود نداشته باشد این ممیز به کار نخواهد رفت. از این رو ممیز "دانه" را ممیز "نگرشی-تأکیدی" نام نهادیم. استفاده از نشانه جمع در ساخت شمارشی در فارسی گفتاری نیز کارکردی گفتمانی (کاربردشناختی) دارد. یعنی به طور معمول در فارسی (گفتاری)، در ترکیب صفت شمارشی با اسم، اسم به شکل مفرد به کار می‌رود. ولی استفاده از شکل جمع نیز باعث نادرستی شدن نمی‌شود، ولی نشانه جمع "ها" را در چنین مواردی، نقش "معرفه‌سازی" دارد. به این معنا که اسمی که نشانه جمع گرفته است، حداقل برای یکی از شنونده یا گوینده معرفی است.

Direct construction^{۱۱} یعنی ساختی که در آن صفت شمارشی-اسم بی‌فاصله در کنار هم می‌آیند و هیچ عنصر دیگری میان آن‌ها قرار نمی‌گیرد.

در این مقاله نیز از اصطلاح "ممیز" استفاده خواهد شد.

transnumerality^{۱۲} یعنی این که اسم مفرد است یا جمع است یا مثنی، مشخص نباشد.

^{۱۳} این ممیزها همان مواردی هستند که در دستورهای سنتی با نام "ممیز خاص" از آن‌ها یاد شده است.

^{۱۴} زبان بومیان آمریکای مرکزی.

^{۱۵} Oromo از خانواده زبان‌های آفرآسیایی که در اتیوپی و کنیا به آن سخن می‌گویند.

^{۱۶} از خانواده زبانی آسترونزیایی، سوماترا که در مالزی، اندونزی و بخش‌هایی از تایلند به آن سخن می‌گویند.

^{۱۷} در برخی دستورهای سنتی فارسی ممیز را به دو نوع عام و خاص طبقه‌بندی کرده‌اند. منظور از ممیز خاص مواردی است که با اسم‌های خاصی به کار می‌روند برای مثال "حلقه" برای "چاه" و "قبضه" برای "سلاح". در مقابل، ممیز عام، ممیزی است که با همه اسم‌ها به کار می‌رود. ممیزهای عام فارسی جنبه گفتاری دارند و ممیزهای خاص اغلب در نوشتار دیده می‌شوند و کمتر جنبه گفتاری دارند.

^{۱۸} طبق جدول ۴-۱ اسم‌های فارسی، "اسم عام" نیستند، از این رو ممیز عام به معنی ممیزی که همراه با اسم عام به کار می‌رود در فارسی نداریم و منظور از "ممیز عام" در فارسی ممیز با "کاربرد عام" است.

منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۱). دستور زبان فارسی امروز. تهران: قطره.
- استاجی، اعظم. (۱۳۸۸). بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. شماره ۱.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۶۹). دستور زبان فارسی ۲. تهران، نشر فاطمی.
- تفکری‌رضایی، شجاع و کبری نظری (۱۳۹۲). «نقش ممیز در گروه حرف تعریف کردی کلهری». پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره دوم. صص ۸۹-۱۰۸.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات مدرسه.
- درزی، علی و ناهید یاراحمدزهی (۱۳۹۰). «گروه سور و گروه ممیز در بلوچی سرحدی، تحلیلی کمینه‌گرا». پژوهش‌های زبانی، دوره ۲، شماره ۲. صص ۵۶-۳۷.
- فرشیدور، خسرو (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه مهدی سمایی، تهران، نشر مرکز.
- محتشمی، بهمن (۱۳۷۰). دستور کامل زبان فارسی. اشراقی.
- مشکوٰه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). تهران: سمت.
- نشاط، محمود. (۱۳۶۸). شمار و مقدار در زبان فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۲). «دستوری‌شدگی طبقه‌نمای «ne / done» در گونه تاکستانی زبان تاتی». مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران. سال اول، شماره اول. صص ۷۵-۵۷.
- Aikhenvald, A.Y. (2000). *Classifiers: A Typology of Noun Categorization Devices* (Oxford Studies in Typology and Linguistic Theory). Oxford University Press.
- Andrzejewski, B.w. (1960). "the categories of number in noun forms in the Borana dialect of Gala". *Africa* 30: 62-75.
- Bisang, Walter (1999). "Classifiers in East and South East Asian languages". *Studies in language* 20:519-597.
- Gil, D. (2013). "Numeral classifiers in The World Atlas of Language Structures Online. <http://wals.info/chapter/55/>.
- Greenberg, J.H (1974). "Studies in Numeral systems: Double numeral systems". *Working papers on Language Universals*. Vol.14, Pp 75-89.
- Hundius, H. and Ulrike kölver (1983). "Syntax and semantics of numeral classifier in Thai". *Studies in Language*
- Lee, Y. (1997). "Classifiers in Korean". Honours thesis, Australian National University, Canberra.
- Löbel, Elisabeth. (1995). *Classifier systems vs noun class systems: a case study in Vietnamese*. Düsseldorf: Heinrich Heine Universität.
- Rijkhoff, Jan. (2000). "when can a language have adjectives? An implicational universal". In *Empirical Approaches to Language Typology*. (Ed) G.Bosson and B. Comrie. Mouton de Gruyter. Berlin. New York. Pp 217-257.
- Sanches, Mary and Linda Slobin (1973). "Numeral classifier and plural marking: an implicational universal". *Working papers in language universals*. 11: 1-22.

-
- Shmatova, M.S. (2013). “The Design of the Typological Database of Numeral-Noun Constructions (NNC Database)”. *Automatic Documentation and Mathematical Linguistics*. Vol,48,No.1. Pp12-24.